

بازتاب تعاملات یهودیان با مسیحیان صدر اسلام در قرآن کریم بر اساس منابع تاریخی

۱ فاطمه محمدی
۲ جواد سخا
۳ بشری دلریش
۴ نصراله پورمحمدی املشی

چکیده

در این مقاله به بررسی و ارائه الگو از آن دسته از آیات قرآن کریم پرداخته میشود که به یهودیت و مسیحیت اشاره دارند. آیات قرآنی در این مقاله از منظر کلامی و تفسیری مورد بررسی قرار نمیگیرد، بلکه هدف صرفاً ارزیابی تاریخی - اجتماعی آیات قرآنی است که به نظر میرسد بازتابی از روابط مسلمانان صدر اسلام با مسیحیان است. بر اساس فراوانی، هر آنچه آیات قرآنی مرتبط با مسیحیت و یهودیت بود، از قرآن استخراج شد و مورد بررسی قرار گرفتند تا با مقایسه آنها، مشخص شود که این آیات بیشتر مرتبط با مسیحیت است یا یهودیت؟ به منظور بررسی این هدف، از روش پژوهش کتابخانهای و توصیفی - تحلیلی استفاده شد. یافتههای به دست آمده در این مقاله، نشان میدهند که قرآن اصل خداشناسی یهودی را در آیات مختلف مورد تأیید قرار داده است و به نظر میرسد شخصیتهای مؤثر قوم یهود، در قرآن از عظمت بیشتری برخوردار هستند؛ اما قرآن، نقد بسیاری بر قوم یهود، اعتقادات و اعمال گذشته‌شان و برخورد پیامبر (ص) و مسلمانان با یهود جزیره‌العرب دارد. به احتمال زیاد یهودیان معاصر که در زمان پیامبر در مدینه سکونت داشتند و نیز رفتارهایی که با پیامبر (ص) داشتند در ترسیم چهره یهودیت در آیات قرآن مؤثر بوده است. آیات بسیار زیادی در قرآن کریم نازل شده است و از طرف دیگر لحن قرآن نسبت به مسیحیت، لحنی بسیار آرام و به مسائلی اشاره دارد که همواره مورد توجه مسیحیت بوده است.

واژگان کلیدی

آیات قرآن کریم، یهودیت، مسیحیت، اسلام.

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
Email: Fattemehmohammadi2016@gmail.com
۲. گروه تاریخ، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران و استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد واحد ابهر، زنجان، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: javadsakha@yahoo.com
۳. گروه تاریخ، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران و استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک، اراک، ایران.
Email: Bidelrish4545@gmail.com
۴. گروه تاریخ، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
Email: poor_amlashi@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۱/۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۳

طرح مسأله

شباهت‌ها و تمایزهای میان دیدگاه‌های دانشمندان و متخصصان حوزه‌های گوناگون علوم بر سر مفاهیمی به‌ظاهر مشترک، موجبات نزدیکی یا جدایی آن‌ها را از یکدیگر در حوزه‌های کار و تحقیق به همراه دارد. یکی از این مفاهیم چگونگی ارتباط دو فرهنگ متفاوت با یکدیگر است؛ چراکه فرهنگ و ارتباطات هر دو فراگیرند و ضرورتی انسانی به شمار می‌روند، یعنی هر دو به‌نوعی پویا هستند و هیچ جامعه انسانی را بدون این دو پدیده نمی‌توان تصور کرد؛ بنابراین، آنچه در واقعیت بیرونی و در زندگی اجتماعی انسان مشاهده می‌شود، به صورتی به‌هم‌پیوسته و درهم‌تنیده بوده که هدف از آن، دستیابی به اقدام هماهنگ بین پیام‌دهنده و گیرنده پیام است (ارزانی و اهتمام، ۱۳۹۴).

قرآن کریم و اسلام، یهودیان و مسیحیان را به‌عنوان فرزندان ابراهیم در نظر گرفته و آن‌ها را «اهل کتاب» توصیف کرده، چراکه تمام ادیان توحیدی از نسل ابراهیم هستند. بدون شک، آموزه‌های دینی و اعتقادی ادیان توحیدی، در کتاب مقدس ایشان منعکس شده است؛ به عبارت دیگر، هر دینی دارای یک نظام عقیدتی است که این نظام عقیدتی باید با آموزه‌های کتاب مقدس آن دین هماهنگ و همسو باشد. در هر یک از ادیان توحیدی مانند دین اسلام، مسیحیت، یهودیت و غیره، متون الهیاتی وجود دارد که پیروان ادیان آن را ضامن هدایت و سعادت دنیوی و اخروی خود و بشر میدانند. قرآن کریم، یکی از این کتب و مهمترین آن‌هاست. چنانکه یهودیت و مسیحیت قرآن کریم بارها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

آیات بسیار زیادی (سوره مائده/۲۶-۲۱؛ بقره/۵۵؛ اسراء/۱۵؛ اعراف/۱۵۷؛ توبه/۳۰ و...) درباره یهودیت در قرآن کریم ذکر شده است که به دلیل نقل مکرر داستان بنی‌اسرائیل در آن است. همچنین آیاتی هم درباره مسیحیت (سوره مائده/۱۱۹-۱۱۶؛ زخرف/۸۶؛ نساء/۱۵۹؛ مائده/۷۳ و...) در قرآن ذکر شده است، اما کمتر از یهودیت، به آن‌ها اشاره شده. بدیهی است قرآن کریم، منبع اصلی در اسلام برای شناخت دقیق جامعه اسلامی قلمداد می‌شود.

درباره یهودیت در قرآن کریم، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. رضاپور،

عبدالرحیم. (۱۳۸۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «یهود از نگاه قرآن»، به بررسی دشمنی دیرینه یهودیان علیه اسلام می‌پردازد. از زمانی که اسلام با بعثت پیامبر خدا (ص) طلوع کرد و پرچم حق را برافراشت و پرچم باطل ستیزی را به دست گرفت، قایلیان و نمرودیان قد علم کردند و بنای خشکاندن حقیقت را پریزی کردند. سپس با استفاده از قرآن و بعضی از تفاسیر به تاریخچه قوم یهود پرداخته و می‌گوید: بناسرائیل به خاطر این که نسب ایشان به اسرائیل پیغمبر «یعقوب» می‌رسد بناسرائیل خوانده شدند و فراز و نشیب‌هایی از زندگی این قوم و مواردی از ذلت آن‌ها را بیان می‌کند. خداوند این گروه مظلوم و ستم‌دیده را توسط حضرت موسی (ع) از چنگال گروه ظالم و ستمگر فرعونی نجات داد؛ اما آن‌ها این نعمت بزرگ را شکرگزاری نکردند بلکه راه کفر، لجاجت و عناد را در پیش گرفتند و باز گرفتار خشم الهی شدند. علاوه بر این پژوهش‌ها، مقالاتی در باب نظر قرآن کریم درباره تمام ادیان الهی نیز انجام شده است. مرادی، مجید و ایوب، محمد. (۱۳۸۱)، مقاله‌های تحت عنوان «ادیان الهی از منظر قرآن»، نگاشتند. با توجه به نتایج این مقاله می‌توان گفت مسلمانان از اندیشه و یا روحانیت مسیحی، این ایده و تصور رایج پیش از اسلام را که حیات انسانی و هستی، نفس رحمان (خدا) است، برگرفته بودند. در همین سیاق می‌توان این آیه از قرآن را تفسیر کرد: «زمانی که خدا انسان را آفرید از روح خویش در او دمید» و همین دم الهی است که انسان را از دیگر مخلوقات تمایز بخشیده است. اسلام از آغاز، با یهود شبه‌جزیره عربستان نیز تعامل داشته است، اما تعامل اسلام - یهودیت، تعامل در قالب روابط تشریحی، سیاسی و اقتصادی بوده است. از این رو باید انتقادات قرآن از جامعه یهودی مدینه را به‌عنوان بازتاب این حقیقت تاریخی بفهمیم. موضوع اشتراکات میان احکام اسلام با دیگر ادیان الهی نیز، از موضوعاتی است که از نظر پژوهشگران دور نمانده است. گلایری، علی. (۱۳۸۸)، در مقاله «نگاهی به رابطه احکام اسلام با ادیان دیگر»، بحث از حق بودن همه ادیان و مجزا بودن عمل به هر دینی، نشان از عدم فهم درست رابطه ادیان آسمانی با یکدیگر دارد؛ یعنی این که دین جدید از دین قبلی کاملتر بوده و از این نظر باید مورد عمل قرار گیرد. به همین جهت، دین اسلام به‌عنوان آخرین دین آسمانی باید مورد عمل واقع شود و دستورات این دین مقدس به‌عنوان احکام الهی بر بشر تلقی گردد. علاوه بر این

پژوهش واعظ، بتول، کاردل ایلواری، رقیه. (۱۳۹۱)، در مقاله «تبیین تطبیقی مبانی نظری، شرعی و اخلاقی اسلام، یهودیت و مسیحیت» این مقاله بر آن بوده است تا برای شناخت دقیق و حقیقی دین اسلام از منظر قرآن، ارکان آن را که عبارت از اصول اعتقادات (توحید، نبوت و معاد)، اخلاق و اخلاقیات و قوانین و مقررات است، با ارکان دو دین الهی یهودیت و مسیحیت به صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار دهد. برخی از پژوهشگران نیز که دیدی خلاقانه داشته‌اند، پا را از موضوعات دینی فراتر نهاده‌اند و اشتراکات فرهنگی میان مسلمانان و پیروان سایر ادیان را مورد بررسی قرار داده‌اند. ارزانی، حبیب و اهتمام، حامد. (۱۳۹۴)، مقالهای تحت عنوان «الگوی ارتباطات میان فرهنگی مسلمانان با مسیحیان در قرآن کریم» نگاشتند. در پژوهش حاضر تلاش گردید با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی و تحلیل آیاتی از قرآن کریم پرداخته شده که ناظر به ارتباط با مسیحیان بوده و روند تعامل با آن‌ها را بیان میکند. یافته‌ها و نتایج تحقیق بیانکننده آن است که میتوان الگویی هفت مرحله‌ای شامل تأیید برخی از مبانی اعتقادی مسیحیان، دعوت به وحدت، بشارت به مسیحیان حقیقی، هشدار و تهدید، دعوت به تفکر، بیان ویژگیهای مسیحیان کافر و وعده عذاب و در نهایت دستور به مباحله و جنگ با آن‌ها را از قرآن کریم استخراج نمود. بنیان و محور اصلی در این الگو یگانگی خداوند است. از این رو، بر اساس قرآن کریم هر زمان که مسیحیان به این اصل نزدیک شوند با بشارت و احترام و هر جا که از آن دور شوند هشدار، تهدید، نفرین و مباحله را مبنای ارتباط مسلمانان با آن‌ها قرار داده است. علاوه بر پژوهش‌هایی که در قالب مقاله ارائه شده است، بسیاری از پژوهشگران، تحقیقات خود را در قالب کتاب به مخاطبان و علاقه‌مندان ارائه کرده‌اند. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، (۱۳۹۹)، کتابی تحت عنوان «ادیان در قرآن» نگاشته است. «ادیان در قرآن» کتابی است که مشخصاً به بررسی مواضع قرآن در مورد این دین‌های یهود و مسیحیت پرداخته است. البته به فراخور بحث، مطالبی تحلیلی را نیز حول مفاهیمی نظیر اهل کتاب و احکام مربوط به آن، جزیه، حقانیت و نجات بخشی ادیان و ... پرداخته است.

در این تحقیق روش پژوهش به صورت مقایسه‌ای و توصیفی - تحلیلی است. جهت گردآوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) و تکنیک فیشبرداری از کتب،

مجلات و سایتهای تخصصی اینترنتی استفاده شده است. در نهایت، اطلاعات موردنیاز گردآوری و تحلیل شده است.

نگاهی به یهودیت در آیات قرآنی

قرآن مجید یهودیت را در کنار مؤمنان و حتی در صدر لیست اقوامی قرار داده است که به خدا ایمان دارند و بیشتر از هر قوم و دین دیگری در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته‌اند. (سلیمانی، ۱۳۸۷) «شخصیتهای مهم، حوادث تاریخی، قوم اسرائیل، عقاید و اعمال یهودیت و نیز متون مقدس یهودی مکرر در قرآن مطرح شده، مورد داوری قرار گرفته و تأیید و تصدیق شده یا اینکه مورد نقد قرار گرفته‌اند». (همان: ۴۲) همچنین قرآن کریم با اشاره به این وجه اشتراک، یعنی یگانه پرستی و پرهیز از شرک، از پیروان این دو دین خواسته است تا بر مبنای این کلمه مشترک، به هم گرایی روی آورند. در قرآن نوری که موسی (ع) از جیب خود بیرون می‌آورد، یکی از اعجازهای نبوت است (بقره: ۶۴) لوح (ده فرمان) در قرآن یک بار به موسی (ع) اعطا میشود (سفر خروج، باب ۳۴: ۳۵-۳۱) یهود در طول تاریخ در مقابل دشمن مقاومت نمیکنند و به زودی تابع میشوند. تاریخ یهود مبین قرنهای تابعیت رسمی و غیررسمی است: از بابل تا پایان قرون وسطی. قرآن نیز به عدم تمایل در جنگ با دشمن (حشر/ ۱۳-۴) و «هراس عمیق ایشان از جنگ و میل ایشان به گریز اشاره کرده است» (راوندی، ۱۳۵۴: ۳۹۹). چنین انعطافی، چهره یهود را در طول تاریخ چهرهای منفعل ساخته است. در قرآن رذایل مختلفی را به قوم یهود نسبت داده است که از جمله آنها مواردی است که در ادامه می‌آید:

۱- دنیاطلبی

دنیاطلبی یهود باعث شده که هیچ‌گاه، به حق خود قانع نباشند و به‌طور دائم به جمع اموال و ثروت و لو با غصب اموال دیگران، پردازند. همین امر، آنها را به رباخواری و خوردن اموال مردم واداشته است (المائده: ۴۲، ۶۲، ۶۳؛ النساء: ۱۶۱).

۲- پیمان شکنی

قرآن کریم بیان میکند که از بنی اسرائیل پیمان گرفته شده بود که (۱) جز خدا را نپرستند؛ (۲) به پدر و مادر، خویشان، یتیمان و مستمندان، نیکی کنند؛ (۳) با مردم، نیکی

سخن باشند؛ ۴) نماز به پا دارند؛ ۵) زکات بدهند؛ اما جز اندکی از آن‌ها بقیه از این دستورات تخطی کردند (البقره: ۸۳). تعبیر «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ» در آیه ۸۳ بقره که هم از مصدر «تولّی» و هم از اعراض استفاده شده نشانه آن است که این امر به صورت یک عادت در یهودیان درآمده است.

این نقض پیمان که ریشه در عمل اسلاف گذشته آن‌ها داشته به نقض پیمان آن‌ها در شبه جزیره پیش از بعثت رسول خدا (ص) متصل شده است که در آیه ۸۴ همین سوره به آن‌ها اشاره میشود. یهود بنی نضیر با قبیله خزرج و بنی قریظه با قبیله اوس هم پیمان بودند. آن‌ها در جنگ‌هایی که این دو قبیله باهم داشتند شرکت میکردند و همدیگر را میکشستند و پس از جنگ، در آزاد کردن اسیران یهودی کمک میکردند. قرآن کریم در این باره میفرماید: شما برخی از احکام کتاب (تورات) را عمل میکنید که آزاد کردن اسیران جنگی است؛ اما به بعض دیگر از میثاق الهی - که عدم قتل یکدیگر است - عمل نمیکنید (البقره: ۸۴). بدیهی است که اگر به دومی عمل میکردند نوبت به اولی نمیرسید! این امر یکی دیگر از روش‌های غلط در زندگی اجتماعی را بیان میکند و آن برخوردهای دوگانه با پیمانهاست.

همچنین، در سوره مائده از نقض پیمان یهود و بنی اسرائیل سخن رفته است که به خاطر آن به لعنت الهی دچار شده‌اند. این صفت در یهودیان زمان پیامبر (ص) نیز بوده است که در همین آیات، خداوند بیشتر آنها را اهل خیانت معرفی میکند (المائده: ۱۲-۱۳). یهودیان تمام عهدی را که با پیامبر (ص) و مسلمانان نیز بسته بودند بسیار زود شکستند و به مخالفان اسلام مساعدت رساندند (الأنفال: ۵۸)؛ بنابراین، گویی نقض عهد در زمره عادات یهودیان درآمده بود که به تعبیر قرآن «هر بار پیمانی بستند، جمعی از ایشان آن را دور افکندند» (البقره: ۱۰۰).

۳- اهانته به خداوند و تمسخر آیات الهی

وقتی آیاتی نازل شد که مردم را به انفاق در راه خدا کرد، یهودیان گفتند که خدا فقیر است و ما بی نیاز هستیم (آل عمران: ۱۸۱) و یا گفتند که دست خدا بسته است (المائده: ۶۴).

۴- دشمنی با جبرئیل

یهودیان با این بهانه به پیامبر (ص) ایمان نمیآوردند که جبرئیل که آورنده وحی است دشمن هستند. قرآن به پیامبر (ص) میگوید: بگو کسی که دشمن جبرئیل است- در واقع دشمن خداست؛ چراکه او تنها با اذن خداست که قرآن را بر قلب تو نازل میکند- قرآنی که تصدیق کننده تورات نیز هست (البقره: ۹۷-۹۸).

۵- کشتن پیامبران و صالحان و مخالفت با آنان

یهود در تاریخ خود، انبیایی چون اشیاء، ارمیا، زکریا و حزقیال را کشتند (طنطاوی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۴). برخورد یهودیان با حضرت موسی و نافرمانیهای متعدد آنها و نیز بهانهگیریهایشان به طور فراوان در قرآن و نیز کتاب مقدس خود یهودیان مورد اشاره و تصریح قرار گرفته است. تلاش یهودیان برای کشتن حضرت عیسی و ادعای گزاف در مورد قتل ایشان (النساء: ۱۵۷) جزو افتخارات آنهاست. همچنین ایراد بهتان به مادر آن حضرت (النساء: ۱۵۶) از نمونه‌هایی است که دلالت میکند که آنها نمیخواهند جز آنچه خود، حق میدانند برتابند و در این راه حاضرند برای لکهدار کردن حقیقت و اقتباس حق با باطل دست به هر کاری بزنند.

در مقابل قرآن به صراحت میگوید که پیامبر (ص) و مؤمنان به همه پیامبران و کتاب‌های آسمانی ایمان دارند (البقره: ۲۸۵) و در خصوص حضرت عیسی، او را کلمه خدا و پیامبر بر حق میداند (النساء: ۱۷۱) که معجزات فراوانی را آورده است (البقره: ۸۷ و ۲۵۳؛ المائده: ۱۱۰) و مادرش، حضرت مریم را زنی پاک‌دامن، صدیقه (المائده: ۷۵) و مطهره (آل عمران: ۴۲) میداند.

۶- نادیده گرفتن احکام الهی

نمونه بارز آن، عمل اصحاب سبت است که احکام مربوط به روز شنبه را مراعات نکردند. خداوند نیز با مسخشان به صورت بوزرینه، آنها را به شدت مجازات کرد (البقره: ۶۵؛ النساء: ۴۷؛ الأعراف: ۱۶۳-۱۶۶).

رفتار یهودیان با پیامبر (ص) و تأثیر آن بر ترسیم یهودیت در آیات قرآن

پیش از هجرت، هیچگونه برخورد خصمانه‌ای بین پیامبر (ص) و یهودیان معاصر او گزارش نشده است، چراکه اصولاً در مکه جمعیت قابل توجهی از یهودیان وجود نداشته است. با آمدن پیامبر (ص) به مدینه و ایمان آوردن بسیاری از مردم، آن‌طور که انتظار میرفت یهودیان از پیامبر (ص) و مؤمنان، حمایت نکردند. باین حال تا مدتی از مخالفت علنی نیز خودداری ورزیدند و حتی حاضر شدند با پیامبر (ص) و مؤمنان همپیمان شوند. پیامبر (ص) نیز طی پیمان‌هایی جان و مال آن‌ها را محترم شمرد؛ بنابراین، در اوایل هجرت رابطه مسلمانان با یهود خوب بود و حتی قبله آن‌ها قبله مسلمانان نیز بود؛ اما به‌رغم ایمان گروهی از یهودیان، بیشتر آن‌ها به خاطر استکبار و خودبرتربینی و حسادت و به دلیل آنکه پیامبر اسلام (ص) از بنی‌سائیل نبود (البقره: ۱۰۵ و ۱۰۹) ایمان نیاوردند (ابن هشام، ۱۴۲۵، ج ۲: ۱۵۹ و ۱۶۴). همچنین، بعد از آنکه برخی از احکام اسلام، مانند تحریم ربا را در ضدیت آشکار با کیان اقتصادی خود دیدند و پس از آنکه مشاهده کردند که همپیمانان آن‌ها از اوس و خزرج یکپارچه به دعوت پیامبر (ص) لیبیک گفت‌هاند، از هیچ کوششی در تضعیف اسلام کوتاهی نکردند (جواد علی، ۱۴۱۳، ج ۶: ۵۴۳-۵۴۵). آن‌ها حتی میخواستند با دسیسه‌های به‌ظاهر دینی پیامبر (ص) را تشویق کنند که به بیت‌المقدس برود؛ با این استدلال که پیامبران همگی در قدس ساکن بوده‌اند پس بهتر است او نیز به آنجا مهاجرت کند و رحل اقامت افکند! (کنعان، ۱۹۹۹: ۳۳۹). مهمترین اقدامات یهودیان در مقابله با پیامبر (ص) و مسلمانان را میتوان به شرح زیر برشمرد:

۱- به راه انداختن مجادلات دینی و کلامی

یهودیان همانطور که در کتاب مقدس آمده که با پیامبرانشان مجادله میکردند و حاضر نبودند آنچه را که پیامبران بزرگی چون موسی به آنها میگفتند قبول کنند، در برابر دعوت پیامبر اسلام (ص) نیز به‌قصد ایجاد تشکیک در حقانیت پیامبر (ص) دست به مجادله میزدند. مجادلات آن‌ها با پیامبرانشان در داستان ذبح بقره (البقره: ۶۷-۷۱) و نیز داستان انتخاب طالوت (البقره: ۲۴۶-۲۴۸) بیانگر لجاجت و عناد آنها با حق است. آن‌ها سعی میکردند آنچه را که قبلاً درباره پیامبر موعود گفته بودند، انطباق آن را بر پیامبر اسلام

انکار کنند (البقره: ۸۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۷، ذیل آیه ۸۹ از سوره البقره).

یکی از شبهات آن‌ها در مجادلات دینی با مسلمانان این بود که میگفتند: خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا یک قربانی بیاورد که آتش آن را بخورد! (آل عمران: ۱۸۳) قرآن هم در جوابشان میگوید که پیامبران گذشته شما همین معجزات را برای شما آوردند پس چرا آن‌ها را کشتید؟! (همان) این جواب حاکی از آن است که خواسته آن‌ها از روی حق‌گرایی نبوده است.

۲- سؤال کردن از پیامبر (ص) به قصد نشان دادن عجز آن حضرت از پاسخ

یهود وقتی میدیدند که در مجادلات دینی و کلامی با پیامبر (ص)، طرف شکست خورده هستند، به ایراد سؤالاتی میپرداختند تا بلکه پیامبر (ص) از ارائه پاسخ به آن‌ها عاجز باشد. گفته شده که پیش از ورود پیامبر (ص) به مدینه هم سؤالاتی را به مشرکان یاد میدادند تا از پیامبر (ص) بپرسند. سؤال از روح «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (الإسراء: ۸۵)؛ ذوالقرنین «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْفَرِّينِ قُلِ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذَكَرًا» (الکهف: ۸۳)؛ و سؤال از زمان قیامت «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلِ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي» (الأعراف: ۱۸۷)؛ از جمله این سؤالات است. ابن هشام آورده است که گروهی از یهود از پیامبر (ص) سؤال کردند که اگر خدا خلق را آفریده است، خود خدا را چه کسی آفریده است؟ پیامبر (ص) سوره توحید را بر آنها تلاوت کرد (ابن اسحاق، ۱۳۶۰، ج ۱: ۵۰۷).

۳- توطئه و دسیسه بین مسلمانان

یهودیان وقتی دیدند که اسلام باعث تألیف قلوب همه گروهها و قبایل عرب شده است میخواستند با ایجاد فتنه بین مهاجران و انصار از یک سو و بین اوس و خزرج از سوی دیگر، آتش جنگ را شعلهور سازند. آیاتی از قرآن ضمن یادآوری نعمت وحدت بین مسلمانان، آن‌ها را از گرفتار شدن در این دام یهود بر حذر میدارد (آل عمران: ۹۸-۱۰۲). پس از این بود که مسلمانان به عمق دسیسه یهودیان و اشتباه خود پی بردند و شانه بر شانه هم گذاشتند و گریستند و استغفار کردند (کنعان، ۱۹۹۹: ۳۳۹).

۴- تلاش در منصرف کردن مسلمانان از دینشان

یهودیان میخواستند به هر طریقی شده مسلمانان را از گرویدن به دینشان پشیمان کنند. یکی از راههایی که آنها انتخاب کردند این بود که به ظاهر اظهار ایمان کنند، سپس، از ایمانشان برگردند و بدین وسیله روحیه مسلمانان را تضعیف کنند و آنها را در حقانیت دین اسلام به تردید افکنند (آل عمران: ۷۱-۷۴؛ طبری، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۱۱، ذیل آیه ۷۱ آل عمران). ابن هشام فصلی را به گزارش یهودیانی اختصاص داده که منافقانه، به اسلام گرویدند و سعی در تخریب اسلام داشتند (ابن هشام، ۱۴۲۵، ج ۱: ۵۲۷).

۵- به بازیچه گرفتن احکام الهی و تلاش در ایجاد فتنه برای رسول خدا

گاهی یهودیان به مسجد میآمدند و با گوش دادن به احکام الهی، به تمسخر و استهزای آنها میپرداختند که پیامبر اکرم (ص) روزی با آنها برخورد کردند و دستور اخراج آنها را از مسجد دادند (همان، ج ۱: ۵۲۸).

۶- هم پیمان شدن با منافقان علیه مسلمانان

مطابق آیاتی از سوره‌های مائده و حشر، منافقان و یهود به هم نزدیک شده و درصدد بودند تا با همدستی با یکدیگر، جبهه مسلمانان را تضعیف کنند. بخش عمده سوره حشر درباره بنیضیر نازل شده است. در این سوره آمده است: «آیا منافقان را ندیدی که پیوسته به برادران کفارشان از اهل کتاب میگفتند: هرگاه شما را بیرون کنند، ما هم با شما بیرون خواهیم رفت و هرگز سخن هیچکس را درباره شما اطاعت نخواهیم کرد و اگر با شما پیکار شود، یاری اتان خواهیم کرد» (الحشر: ۱۱) یهودیان با سردهسته منافقان، عبدالله بن اُبی، پیوندی ناگسستنی داشتند و حتی در هنگام مرگ، بر بالین او حاضر شدند و پس از مرگش نیز برای او عزاداری کردند (ولفسون، ۱۴۱۵: ۲۲۶).

۷- هم پیمان شدن با مشرکان علیه مسلمانان

برخی از آیات قرآن حاکی از آن است که یهودیان درصدد هم پیمان شدن با مشرکان مکه نیز برآمدند. قرآن میگوید آیا ندیدی کسانی که بهرهای از کتاب به آنان داده شده، به «جبت» و «طاغوت» (بت و بتپرستان) ایمان میآوردند و درباره کافران، میگویند: آنها از کسانی که ایمان آورده‌اند هدایت یافته ترند؟! (النساء: ۵۱) پشتیبانی یهودیان از

مشرکان در جنگ احزاب، شکل آشکارتری به خود گرفت (الأحزاب: ۲۶-۲۷).
برخی از آیات سوره مائده نیز به پیوند دوستی یهودیان و مشرکان اشاره دارد (المائده: ۸۰-۸۱)؛ و بدین ترتیب، قوم یهود که با عربها در مورد نبوت پیامبر اسلام (ص) احتجاج میکردند و بعد از هجرت، پیامبر (ص) با آنها همپیمان شده بود و مسلمانان حاضر شده بودند جان و مال و ناموس یهود را در مقابل دشمنان احتمالی شان حفظ کنند با گمراهی و کجاندیشی، کارشان به جایی رسید که با دشمنان اصلی پیامبر (ص) و مسلمانان همپیمان شدند و بدین وسیله، آیات الهی را به بهای اندکی فروختند و خشم و غضب الهی را به جان خریدند (آل عمران: ۱۸۷؛ المائده: ۸۰).

۸- اذیت کردن پیامبر (ص) با سخنان توهین آمیز

یهودیان با تمسک به برخی کلمات عربی که در زبان عبری معنایی متفاوت و درعین حال زشت داشت به اذیت و آزار پیامبر (ص) میپرداختند که قرآن کریم به مسلمانان میگوید که با به کار نبردن آن کلمه، این بهانه را از یهودیان بگیرند (البقره: ۱۰۴؛ النساء: ۴۶).

۹- شبهه افکنی

همان گونه که برخی از بنی اسرائیل با پیامبرانشان مجادله می کردند و حاضر نبودند آنچه را که پیامبران الهی چون موسی و هارون بدانها می گفتند قبول کنند، برخی از یهودیان معاصر پیامبر اکرم نیز در برابر دعوت پیامبر اسلام به قصد ایجاد تشکیک در حقانیت پیامبر دست به مجادله می زدند. مجادلات بنی اسرائیل با پیامبرانشان در داستان ذبح بقره (بقره: ۶۷-۷۱) و نیز داستان انتخاب طالوت (بقره: ۲۴۶-۲۴۸)، بیان گر لجاجت و عناد آنها با حق است. برخی از یهودیان معاصر پیامبر اکرم نیز سعی می کردند عدم انطباق آنچه قبلاً درباره پیامبر موعود گفته بودند را بر پیامبر اسلام، به مردم القاء کنند (بقره: ۸۹). یکی از شبهات آنها در مجادلات دینی با مسلمانان این بود که می گفتند: خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا یک قربانی بیاورد که آتش آن را بخورد (آل عمران: ۱۸۳)! قرآن هم در جوابشان می گوید: که پیامبران گذشته شما همین معجزات را برای شما آوردند پس چرا آنها را کشتید؟! (همان) با تدبیر در این آیه می توان دریافت

که خواسته آن‌ها از روی حق‌گرایی نبوده است. یکی دیگر از شبهات کلامی آن‌ها این بود که درخواست کردند تا خداوند به‌طور مستقیم، با آن‌ها سخن بگوید (بقره: ۱۱۸)! قرآن هم می‌گوید که: این سخنان همان سخنانی است که پیشینیان آن‌ها زدند که احتمالاً اشاره به گفتار یهودیان است که به موسی می‌گفتند: (موسی لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ) (بقره: ۵۵) و یا می‌گفتند: (أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً) (نساء: ۱۵۳) گاهی نیز می‌گفتند: (مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ) (انعام: ۹۱) که خداوند در جواب می‌گوید: قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسٍ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلَّيْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ (همان).

۱۰- تحریف‌کنندگان تورات

تحریف تورات به‌ویژه تحریف اوصاف پیامبر اکرم (ص) یکی از خیانت‌های بزرگ یهودیان معاصر پیامبر بود که اخبار یهود نقش اساسی در آن داشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۱۶). آن‌ها هر چه می‌خواستند، به‌عنوان حکم در کتاب برای عوام بیان می‌کردند، هرچند کاذب باشد. عوام نیز بدون کم و کاستی به آن عمل می‌کردند و آن را حکم خدا می‌دانستند؛ پس اگر تحریفی در دین صورت می‌گرفت و مردم از مسیر حق به دور می‌افتادند، مقصر اصلی علمای یهود بودند که با علم و آگاهی آن را تغییر داده، در اختیار عموم یهودیان قرار می‌دادند (همان: ۳۱۸). البته عوام یهود نیز بی‌تقصیر نبودند؛ زیرا علمای یهود را هرچند فاسق، قبول داشته و از آن‌ها تقلید می‌کردند، بدون این که دلیلی بر صحت گفتار آن‌ها داشته باشند. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: قَوْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بَأْيِدِهِمْ لَمْ يَقُولُوا هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبْتُ آيِدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (بقره: ۷۹). مفسران در شأن نزول این دو آیه تصریح کرده‌اند گروهی از دانشمندان یهود، نشانه‌هایی که برای پیامبر در تورات آمده بود را تغییر دادند و این تحریف برای حفظ پست و مقام و منافی بود که هر ساله از ناحیه عوام به آن‌ها می‌رسید؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۱۶) و وقتی عوام که تا حدی صفات حضرت را می‌دانستند از علمای یهود می‌پرسیدند آیا این همان پیامبر موعود نیست که بشارت میدادید، آنان آیات تحریف‌شده تورات را برای ایشان می‌خواندند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱:

۲۷۹). برخی از دانشمندان یهود نیز جهت تغییر آیات تورات درباره اسلام و پیامبر اکرم پول‌های زیادی دریافت می‌کردند (جدید بناب، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۶). قرآن کریم معامله آن‌ها را، خریداری گمراهی نام‌گذاری نموده، می‌فرماید: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الصَّلَاةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ (نساء: ۴۴).

۱۱- به استهزا گرفتن دین مسلمانان

یهودیان از جمله کسانی بودند که دین مسلمانان را به استهزاء و سخریه می‌گرفتند. همچنین، نماز و عبادت مسلمانان را مسخره می‌کردند (المائدة: ۵۷-۵۸). نقل شده است که هنگام اذان، یهودیان به تمسخر مسلمانان می‌پرداختند و می‌گفتند که این دیگر چه پدیده‌ای است؟! (قرطبی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۲۲۴).

۱۲- تلاش در جهت قتل پیامبر (ص)

خداوند در سوره مائده از نعمت الهی یاد میکند که باعث شده دست‌درازی عده‌ای از کافران در ضربه زدن به مسلمانان بینتیجه بماند (المائدة: ۱۱). تعدادی از اخبار و آثار حکایت از آن دارد که عده‌ای از یهود قصد جان پیامبر (ص) را کرده بودند که خداوند مکرشان را برملا کرد و پیامبرش را نجات داد (طبری، ۱۴۲۰، ج ۴: ۱۴۴).

راهکار مواجهه قرآن با یهودیان از طریق پاسخگویی به شبهات

در گذر زمان شیوه مواجهه یهود معاصر دوره بعثت با اسلام، پیامبر و مسلمانان به صورت گام‌به‌گام تغییر کرد و سرانجام به طراحی ترور پیامبر، پیمان‌شکنی و جنگ طلبی رسید. همراه با این برخوردها، شیوه مواجهه قرآن و دستورات آن درباره یهود نیز گام‌به‌گام تغییر شکل داد.

۱- شبهه اول: یهودی بودن حضرت ابراهیم

قرآن در آیه ۱۴۰ سوره بقره به نقد این شبهه پرداخته، می‌فرماید: أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ شَهِدَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (بقره: ۱۴۰) خداوند در این آیه گویندگان این سخنان را به شدت نقد کرده، آن‌ها را ظالم‌ترین افرادی معرفی می‌کند که شهادت الهی را کتمان می‌کنند. به علاوه کار آن‌ها را گفتاری از روی جهل و نادانی

قلمداد میکند. خداوند در آیه ۶۵ تا ۶۸ سوره آل عمران در مقام نقد آن‌ها به همین مقدار اکتفا نکرده، مجادله یهود و نصاری، در مورد دین حضرت ابراهیم را امری غیرعاقلانه به تصویر کشیده است.

۲- شبهه دوم: یهودیان، وارثان دین حضرت ابراهیم

خداوند در قرآن در ضمن بیان جریانی تاریخی از حضرت ابراهیم به این موضوع اشاره داشته، می‌فرماید: (وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) (بقره: ۱۲۴). خداوند در این آیه با اشاره به عدم ارث بری ظالمان از مقامات دینی (امامت) پدرانشان، تنها وارثان آن دسته از مقامات معنوی ابراهیم را صالحان و مؤمنان معرفی می‌کند و گویا با این اشاره به رد شبهه دوم یهودیان پرداخته است.

۳- شبهه سوم: پیروی از آئین یهود، تنها راه هدایت

آیه: (وَ قَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا) (بقره: ۱۳۵) حکایت از این خیال اهل کتاب دارد و اینکه هر یک از یهودیان و مسیحیان هدایت را منحصر به تبعیت از آئین خود میدانستند و هر یکدیگری را تکفیر میکرد. خداوند در نقد شبهه ایشان به پیام‌آورش امر می‌کند که بگو: این آئین‌های تحریف‌شده، هرگز نمیتواند موجب هدایت گردد، بلکه باید از آئین ابراهیم که تحریف‌نشده پیروی نمود: (قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفٍ أَوْ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ) (همان) ملت به معنای دین است و حنیف یعنی مستقیم؛ و به همین جهت، شریعت ابراهیم «حنیفه» یعنی متنازل از یهودیت و نصرانیت به سوی حق نامیده شده است و در حدیث است که محبوب‌ترین شریعتها در نزد خدا، حنیفه است که بر اساس سهولت پایه‌گذاری شده است و آن شریعت اسلام است که در آن مشقتی نیست (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۰۲). حنیف در اصل به معنای روی برگرداندن از هر دین باطل، به سوی دین حق است. وصف ابراهیم به حنیف، در واقع، متضمن این معناست که آن حضرت از ادیان باطل دوران خویش مانند خورشید، ستاره و بت پرستی به دین حقی که خداوند به وی فرمود، رو کرد. معنای آیه این است که ابراهیم به دین خداوند مایل شد و بدان رو کرد.

۴- شبهه چهارم: یهودیان، فرزندان و عزیزان خدا

قرآن کریم در آیه 18 سوره مائده این شبهه یهودیان را پاسخ گفته و به پیامبر دستور می‌دهد از یهودیان بپرسد: اگر فرزندان و عزیزان خدا هستند، پس چرا خداوند آن‌ها را به سبب گناهانشان عذاب کرده است؟ درحالی که می‌دانیم هیچ کس عزیزان خود را عذاب نمی‌کند. البته این در مورد انسان‌ها است. قرآن خودپاسخ می‌دهد: خداوند هر کس را بخواهد میامرزد و هر کس را بخواهد عذاب می‌کند. او صاحب اختیار مطلق است و تمام ملک آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست، از اوست و سرنوشت همه در دست اوست و هر کس مرتکب عمل بدی شود، مجازات میشود و هر کس اقدام به عمل نیکویی کند، جزای عمل خود را میبندد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱: ۳۲۹-۳۳۰). به علاوه خداوند متعال فرزندی از مخلوقات خود ندارد (توحید: ۴).

۵- شبهه پنجم: بخشیده شدن تمام گناهان یهودیان

یهودیان ادعا میکردند که چون امت برگزیده خداوند، فرزندان و عزیزان او هستند، مرتکب هر گناه و فعل حرامی شوند، گناهانشان آمرزیده خواهد شد. آن‌ها این پنداره خود را در میان توده‌های مردم پخش می‌کردند و به این صورت عدالت خداوند را زیر سؤال می‌بردند. قرآن با اشاره به این شبهه آن را نقد نموده، می‌فرماید: فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَ يَقُولُونَ سَيُعْفَىٰ لَنَا وَ إِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلَهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَ دَرَسُوا مَا فِيهِ وَ الدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (اعراف: ۱۶۹).

۶- شبهه ششم: عذاب یهودیان در جهنم، تنها چند روز

قرآن جواب این شبهه یهودیان را داده، می‌فرماید: ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ نَمْسَنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَ عَرَّوهُمْ

فی دینهم ما كانوا يفترون (آل عمران: ۲۴). مطلب آن گونه که یهود می‌پندارند -آتش جهنم بیش از چند روزی به سراغ ما نخواهد آمد- نیست بلکه هر کس سیئهای را مرتکب شود، دچار آتش جهنم خواهد شد. ابن جریر آورده است: یهودیان میگفتند: ما به جهت پرستش گوساله مورد خشم خداوند قرار گرفته و چهل روز گرفتار آتش جهنم میشویم؛ اما

چون فرزندان خدا و عزیزان او هستیم، به پدرمان یعقوب وعده داده شده که هیچ‌یک از ما به جهنم داخل نمی‌شود. این مطلب با آیه قرآن تکذیب شده، می‌فرماید: به تأکید، ایشان اهل جهنم هستند و در آن جاودانه‌اند: بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره: ۸۱)؛ مگر کسانی که به خدا و رسولانش و آنچه آورده‌اند، ایمان بیاورند.

نگاهی به مسیحیت در آیات قرآنی

«شالوده مسیحی به قرن یکم میلادی و یهودیت برمی‌گردد» (رابینسون^۱، ۲۰۱۱: ۲۲۹) که توسط عیسی ناصری (مسیح) پایه‌گذاری شد. مسیحیت اولیه به سه دوران عیسی و رسالت^۲، پدران اولیه کلیسا^۳ و دفاعیات^۴ تقسیم می‌شود. این سه دوره را بازه زمانی ۴۰۰ ساله‌ای در برمی‌گیرند که از سال ۳۰ میلادی به‌عنوان شروع خدمت مسیح آغاز شده و در اواخر قرن ۴ میلادی به پایان می‌رسد. (اسمیت^۵، ۲۰۰۴: ۸۳) در قرن نخست مسیحی و در اولین دهه‌های پس از مسیح نزاع الهیاتی میان مسیحیان در گرفت؛ اما نزاع خاتمه نیافت و در سده‌های دوم و سوم بیشتر به شکل نزاع‌های فرقه‌ای بروز کرد. در میان طرف‌های درگیر، برخی شخص پولس و نظام الهیاتی او را از اصل و بنیان قبول نداشتند. مثل فرقه‌های «ایونی‌ها» و «ناصریان» که همچنان به رعایت شریعت موسوی پایبند بودند.

به‌طور کلی، «مسیحیت از بزرگترین ادیان زنده جهان است که در یک نوع تقسیم‌بندی در شاخه ادیان غربی یا ادیان سامی می‌گنجد. این دین با دو دین هم‌خانواده‌اش (یهودیت و اسلام) به‌واسطه این که اصل خود را به ابراهیم خلیل برمی‌گردانند، ادیان ابراهیمی خوانده می‌شوند. با اینکه مسیحیت در بسیاری از اصول با دو دین دیگر شباهت دارد، اما اختلافش با آن دو بسیار بیشتر از تفاوت آن دو دین با همدیگر است. مسیحیت دارای اصولی است که با دو دین دیگر به‌طور ریشه‌ای متفاوت است. با این حال در مورد

1. Robinson
2. Jesus and Apostolic period
3. Apostolic Fathers period
4. Apology
5. Smith

برخی اصول از جمله؛ دو اصل اساسی مبدأ و معاد اختلاف اندکی بین سه دین دیده میشود و برخلاف اصول دیگر تنها همین دو اصل است که در تاریخ مسیحیت مورد مناقشه فرقه‌های قرار نگرفته است. نظام عقیدتی این آیین در طی قرنهای گذشته به شکل کنونی درآمده و در پی همین مناقشات فرقه‌های متعددی با اندیشه‌ها و اعمال متنوع پدید آمده است». (کاکس، ۱۳۷۸: ۷۸) در ادامه مسائلی راجع به مسیحیت که در قرآن بیان شده است را مورد بررسی قرار میدهیم:

۱- تحریف آیات الهی

یعنی انجیل حضرت عیسی (ع) پس از وی توسط علمای مسیحی دچار تحریف شد و انجیل کنونی محرف است: «و إِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُونُ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَ مَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ مَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران: ۷۸) (همانا برخی از اهل کتاب، قرائت کتاب آسمانی را تغییر و تبدیل می دهند تا آنچه از پیش خود خوانده اند از کتاب خدا محسوب دارند و هرگز آن تحریف شده از کتاب خدا نخواهد بود و گویند این آیات از جانب خدا نازل شد در صورتی که هرگز از جانب خدا نیست و با آن که می دانند (تحریف خود آنهاست) به خدا دروغ میندند).

۲- رد عقیده الوهیت

مسیحیان حضرت مسیح (ع) را خدا می پنداشتند یا عقایدی در حد الوهیت او و خراج ساختن وی از جنبه‌ی بشری داشتند یا این که او را پسر خدا می دانستند. خداوند در این مورد یعنی خدا دانستن مسیح و پرستش وی، نصارا را سخت تخطئه نموده و آنان را در این اعتقاد کافر می شمارد، چنان که میفرماید: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَهُ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...» (مائده: ۱۷) (همانا آنان که گفتند خدا همان مسیح پسر مریم است کافر شدند. بگو کدام قدرت می تواند کسی را از قهر و قدرت خدا نگه دارد. اگر خدا بخواهد عیسی پسر مریم و مادر او و هر که در روی زمین است را هلاک گرداند». در آیه‌ای دیگر، ضمن کفر دانستن این عقیده، سخن حضرت عیسی (ع) را یادآور می شود که او، مردم را به خدای یکتا

فرامی‌خواند و از شرك نهی می‌فرمود: « لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَا فِيهَا النَّارُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ » (مائده: ۷۲) آنان که قائل به خدایی مسیح پسر مریم شدند محققاً کافر گشتند، در صورتی که مسیح خود به بنی‌اسرائیل گفت آن خدایی که آفریننده‌ی من و شماست پرستید که هر کس به خدا شرك آورد، خدا بهشت را بر او حرام گرداند و جایگاهش آتش دوزخ باشد و ستمکاران را هیچ کس یاری نخواهد کرد).

۳- رد عقیده تثلیث

در آیه «لقد كفر الذين قالوا ان الله ثالث ثلاثة»، مسیحیان خدا را سومین خدا از خدایان سهگانه دانسته‌اند، آیه: «ولا تقولوا ثلاثة انتهوا» هم به همین معنا اشاره دارد. قرآن مجید در عین حال که مسیحیان را موحد به حساب می‌آورد، در عین حال تثلیث مسیحیت رایج را نیز رد میکند.

۴- انتقاد از رهبانیت در مسیحیت

«... وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فُسِقُونَ» (حدید: ۲۷) (... عیسی بن مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان او رأفت و مهربانی نهادیم و (لیکن) رهبانیت را از پیش خود بدعت انگیختند. ما بر آن‌ها جز آن که رضا و خشنودی خدا را طلبند ننوشتیم و باز آن‌ها چنان که باید و شاید همه را مراعات نکردند. ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و از آن‌ها بسیاری به راه فسق و تبه‌کاری شتافتند).

۵- عدم به صلیب کشیده شدن مسیح (ع)

تقابل اصلاح‌گرایانه قرآن با تفکر مسیحیت در آیه ۱۵۷ نساء است که خداوند مسئله عدم صلیب کشیده شدن عیسی (ع) را مطرح می‌کند. «وَ قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَبُوهُ وَ لَكِنْ سُبُّوا لَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَ مَا قَتَلُوهُ يَقِيناً»؛ و گفته‌اند ایشان که: «ما مسیح، عیسی بن مریم،

پیامبر خدا را کشتیم» و حال آنکه آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند، لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که در باره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند، جز آنکه از گمان پیروی می‌کنند و یقیناً او را نکشتند» خداوند در این آیه مطلق صلیب را نفی نمی‌کند بلکه می‌فرماید او به صلیب کشیده نشد و این امر مشتبه شد؛ اما چرا خداوند تأکید دارد از عدم صلیب کشیده شدن عیسی (ع) صحبت کند؟ زیرا خداوند می‌خواهد با یک امر الهیاتی و اعتقادی منفی که در مسیحیت رسوخ کرده بود، مقابله کند؛ یعنی جدای از بحث تاریخت صلیب کشیده شدن عیسی (ع)، مسیحیان موضوع تصلیب را به صورت امری الهیاتی در آوردند و آن را پایه تفکر و اعتقادات خودشان قرار دادند و از این طریق انحراف و بدعت بزرگی در دین مسیحیت به وجود آوردند.

۶-رد ادعاهای برتری طلبانه و نژادپرستانه مسیحیان

مسیحیان همانند یهودیان ادعا می‌کردند که ما پسران و دوستان خدا هستیم، لذا قرآن در نفی ادعای اول بدان‌ها می‌گوید پس چرا خداوند شما را به گناه تان عذاب می‌کند؟ بلکه ش ما چون مخلوق خدا هستید، بشری بیش نیستید: «و قَالَتْ أَلَيْهٖدُ و النَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ و أَحِبَّآؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ...» (مائده: ۱۸)؛ و در رد ادعای دوم از آن‌ها می‌خواهد که بر گفته‌ی خویش دلیل و برهان ارائه دهند اگر صادق هستند: «و قَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُم إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۱۱۱).

دشمنی یهودیان و دوستی نسبی مسیحیان با مسلمانان

«لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ و الَّذِينَ أَسْرَكُوا و لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَسِّيْسِينَ و رُهْبَانًا و أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (مائده: ۸۲). «به طور مسلم دشمنترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت؛ و نزدیکترین دوستان به مؤمنان را کسانی می‌یابی که می‌گویند: «ما نصاری هستیم»؛ این بخاطر آن است که در میان آنها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند؛ و آنها (در برابر حق) تکبر نمی‌ورزند». «و إِذَا سَمِعُوا مَا أُتْرِ لَ إِلَيَّ الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا

عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (مائده: ۸۳) «و هر زمان آیتی را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشمهای آنها را می بینی که (از شوق)، اشک می ریزد، بخاطر حقیقتی که دریافته اند؛ آنها می گویند: «پروردگارا! ایمان آوردیم؛ پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد) بنویس!» در این آیات مقایسه ای میان یهودیان و مسیحیانی که معاصر پیامبر اسلام ص بوده اند شده است. در نخستین آیه یهود و مشرکان در یک صف قرار داده شده اند و مسیحیان در صف دیگر، در آغاز می گوید: «سرسخت ترین دشمنان مومنان، یهود و مشرکان هستند و بامحبت ترین آنها نسبت به مؤمنان مدعیان مسیحیتند» (لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَ رُهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَشْتَكِرُونَ) تاریخ اسلام بخوبی گواه این حقیقت است، زیرا در بسیاری از صحنه های نبردهای ضد اسلامی، یهود بطور مستقیم یا غیر مستقیم دخالت داشتند و از هر گونه کار شکنی و دشمنی خود داری نمی کردند، افراد بسیار کمی از آنها به اسلام گرویدند، در حالی که در غزوات اسلامی، کمتر مسلمانان را مواجه با مسیحیان می بینیم و نیز افراد زیادی از آنها را مشاهده می کنیم که به صفوف مسلمین پیوستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۵۶). همیشه از نصارا حسن اجابت بوده و از یهود و مشرکین لجاج و پافشاری در استکبار و عصیبت، عینا همان رفتار و عکس العملی که این سه گروه در زمان رسول الله (ص) از خود نشان دادند، همان را پس از آن جناب داشتند، چه افرادی که از ملت نصارا در قرون گذشته به طوع و رغبت دعوت اسلام را لیبیک گفتند بسیار زیاد و بی شمار و بر عکس افرادی که از مشرکین و یهود در آن مدت طولانی به دین اسلام گرویده اند بسیار کم و انگشت شمارند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۱۱۶). سپس قرآن دلیل این تفاوت روحیه و خط مشی اجتماعی را طی چند جمله بیان کرده، می گوید: «مسیحیان معاصر پیامبر (ص) امتیازاتی داشتند که در یهود نبود. نخست اینکه: در میان آنها جمعی دانشمند بودند که به اندازه دانشمندان دنیاپرست یهود در کتمان حقیقت کوشش نداشتند (ذَلِكْ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ) و نیز در میان آنها جمعی تارک دنیا بودند که درست در نقطه مقابل حریصان یهود گام برمی داشتند، هر چند گرفتار انحرافات بودندی ولی باز در سطحی بالاتر از یهود

قرار داشتند (و رهبانان). بسیاری از آنها در برابر پذیرش حق خاضع بودند و تکبری از خود نشان نمی دادند، در حالی که اکثریت یهود به خاطر اینکه خود را نژاد برتر می دانستند، از قبول آئین اسلام که از نژاد یهود برنخاسته بود سر باز می زدند (و انهم لا یتکبرون). به علاوه جمعی از آنان (همانند همراهان جعفر و جمعی از مسیحیان حبشه) هنگامی که آیات قرآن را می شنیدند، اشک شوق از دیدگانیشان بخاطر دست یافتن به حق سرازیر می شد. (وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ) و با صراحت و شهامت و بی نظیری صدا می زدند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، ما را از گواهان حق و همراهان محمد ص و یاران او قرار ده «یقولون ربنا آما فاکتبا مع الشاهدين». آنها بقدری تحت تاثیر آیات تکان دهنده این کتاب آسمانی قرار می گرفتند که می گفتند: «چگونه ممکن است ما به خداوند یگانه و حقایقی که از طرف او آمده است ایمان نیاوریم در حالی که انتظار داریم ما را در زمره جمعیت صالحان قرار دهد» (وَ مَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَ نَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ) (مائده: ۸۴). در این آیه خدای تعالی جهت نزدیک تر بودن نصارا را به اسلام بیان فرموده و در جهت اینکه آنان نسبت به سایر ملل انس و محبتشان به مسلمین بیشتر است، سه چیز را معرفی می فرماید که آن سه چیز در سایر ملل نیست، یکی اینکه در بین ملت نصارا علما زیادند. دوم اینکه در بینشان زهاد و پارسایان فراوانند، سوم اینکه ملت نصارا مردمی متکبر نیستند و همین سه چیز است که کلید سعادت آنان و مایه آمادگی شان برای سعادت و نیکبختی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۱۱۷).

بررسی تطبیقی آیات مرتبط با مسیحیت و یهودیت در قرآن

۱- در یک نگاه کلی آیات مربوط به یهود در قرآن را میتوان به دو گروه تقسیم نمود:

الف) عقاید و باورهای یهود که شامل اذیت و آزار مؤمنین در آیه ۱۸۶ سوره آل عمران، عقیده یهود در مورد خودشان در آیه ۱۸ سوره مائده، عقیده یهود درباره خداوند در آیه ۶۴ سوره مائده، طغیان و سرکشی یهود در آیه ۴ و ۵ سوره اسراء، قساوت و سنگدلی در آیه ۷۴ سوره بقره، ایمان نداشتن به نبوت در آیه ۵۵ سوره بقره، کفران نعمت

در آیه ۶۱ سوره بقره، کشتار انبیا در آیه ۶ سوره ابراهیم، اذیت و آزار پیشوا و رهبری در آیه ۵ سوره صف، عهد شکنی در آیه ۱۳ سوره مائده، تحریف کلام خداوند در آیه ۱۳ سوره مائده و تفرقه افکنی بین مؤمنین در آیه ۱۰۷ سوره توبه است.

ب) کارشکنیها و فعالیتهای تخریبی علیه مسلمانان که شامل پناه دادن به عناصر ضد الهی در آیه ۱۰۷ سوره توبه، آواره کردن شهروندان در آیه ۸ سوره منافقون، سیاست محاصره اقتصادی در آیه ۷ سوره منافقون و عدم خرسندی از مسلمانان مگر با پیروی از یهود در آیه ۱۲۰ سوره بقره است.

۲- در یک نگاه کلی آیات مربوط به مسیحیت در قرآن را میتوان به دو گروه تقسیم

نمود:

الف) تأیید برخی از مبانی مسیحیان (کتاب انجیل، حضرت عیسی (ع)، حضرت مریم (س) و حواریون) که شامل:

۱- آیات مربوط به تأیید حضرت عیسی (ع) به همراه ویژگی های ایشان در آیه ۲۵۳ و ۷۴ سوره بقره، در آیه ۴۹، ۴۸، ۷۵ و ۴۵ سوره آل عمران، در آیه ۸۵ سوره انعام، در آیه ۳۰ و ۶۳ سوره مریم، در آیههای ۸-۶ و ۱۴۹ سوره صف است.

۲- آیات مربوط به حضرت مریم (س) در آیه ۳۵، ۳۷، ۴۲، ۴۳، ۴۷ و ۴۵ سوره آل عمران، در آیه ۷۵، ۱۷ تا ۳۳ سوره مریم، آیه ۹۱ سوره انبیاء، در آیه ۵۰ سوره مومنون، در آیه ۵۹ سوره زخرف و در آیه ۱۲ سوره تحریم است.

۳- آیات مربوط به کتاب انجیل

در آیه ۹۷ در سوره بقره، در آیه ۳ در سوره آل عمران، در آیه ۴۷ در سوره نساء، در آیه ۱۷ و ۴۸ سوره مائده، در آیه ۹۲ سوره انعام، در آیه ۲۷ سوره یونس، در آیه ۱۱۱ سوره یوسف، در آیه ۳۱ سوره فاطر و در آیه ۱۳۶ سوره نساء است.

۴- آیات مربوط به مؤمنان و حواریون

در آیه ۵۲ سوره آل عمران، در آیه ۱۱۱ سوره مائده، در آیه ۱۴ صف و در آیه

۱۱۲-۱۱۴ سوره مائده است.

ب) دعوت به وحدت مسیحیان و مسلمانان

در آیه ۱۳۵ سوره بقره، در آیه ۸۴، ۲۰ و ۶۴ سوره آل عمران، در آیه ۱۲۳، ۱۶۳ سوره نساء، در آیه ۴۶ سوره عنکبوت، در آیه ۵ سوره مائده، در آیه ۱۳ سوره شوری، در آیه ۶۳ و ۶۴ سوره زخرف و در آیه ۳۱ سوره مدثر، در آیهای ۶-۱ سوره بنيه است.

پ) مباحله و دستور به جنگ با مسیحیان

در آیه ۱۷۹ سوره اعراف، در آیه ۶۱ و ۶۱ سوره آل عمران و در آیه ۲۹ سوره توبه است.

ت) بشارت به مسیحیان مومن و تابع حق (هدایت شده)

در آیه ۵۵، ۷۵، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۹۹، ۶۵ و ۶۶ سوره آل عمران، در آیه ۶۲ سوره بقره، در آیه ۸۳، ۶۵ و ۸۵ سوره مائده، در آیه ۱۵۹ سوره نساء، در آیه ۵۲ و ۵۳ سوره قصص، در آیه ۲۹ سوره فتح، در آیه ۱۰۷ سوره اسرا و در آیه ۱۱۱ سوره توبه است.

ث) هشدار و سؤال از مسیحیان

در آیه ۴۷، ۵۲ سوره نساء، در آیه ۹۹، ۹۸ و ۶۷ سوره آل عمران، در آیه ۱۵۲ سوره اعراف، در آیه ۱۱۴، ۱۴۶ و ۲۰ سوره انعام، در آیه ۱۲۰ و ۱۳۵، ۱۴۰ سوره بقره، در آیه ۷۰ و ۷۱ سوره مائده، در آیه ۱۳۱ و ۱۷۲ سوره نساء.

ج) دعوت مسیحیان به تفکر

در آیه ۵۹، ۶۵ سوره آل عمران، در آیه ۱۱۶ و ۱۱۱ سوره بقره، در آیه ۱۷۱ سوره نساء، در آیه ۷۵، ۷۶، ۱۱۶، ۱۱۷ و ۱۸ سوره مائده، در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره آل عمران، در آیه ۳۵ سوره مریم و در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره توبه.

چ) بیان ویژگیهای مسیحیان کافر و وعده عذاب

در آیه ۱۰۹، ۱۴۵، ۱۰۵، ۱۵۹، ۱۷۵، در سوره بقره، در آیه ۵۴ در سوره نساء، در آیه ۱۴ در سوره شوری، در آیه ۱۶ در سوره حدید، در آیه ۵۸، ۵۹، ۵۷، ۷۲، ۷۳، ۶۰ و ۵۱ سوره مائده.

با توجه به بررسی تطبیقی که در این بخش انجام شد و همچنین بررسی رفتار یهودیان با پیامبر که در قسمتهای قبلی بدان پرداخته شد، در آیه هایی که مربوط به یهودیان میباشد، بیشتر به رذایل اخلاقی آن ها پرداخته شده است و اینطور میتوان استنباط کرد که میان رفتار

ناپسند یهودیان با پیامبر و نزول آیات درباره این قوم رابطه ای وجود دارد. همچنین در بررسی های به عمل آمده، در هیچ یک از آیات مربوط به مسیحیت، به رفتار ناپسند و یا رذایل اخلاقی این قوم اشاره ای نشده است و بیشتر این آیات به موضوعاتی مانند دعوت به تفکر مسیحیان، دعوت به اتحاد بین مسلمانان و مسیحیان، بشارت به مسیحیان مؤمن و غیره پرداخته‌اند.

رابطه یهودیت و مسیحیت

آنگونه که از آیات قرآن کریم بر می‌آید، پیروان ادیان یهود و مسیحیت، همواره با هم اختلاف نظر داشته و در گفتوگوهای خود، یکدیگر را نفی کرده و مورد نکوهش قرار میداده‌اند. گفتوگوهای یهود و مسیحیت، بیشتر بر اساس برتریجویی و طرد و نفی طرف مقابل صورت می‌گرفته است. «و قالت اليهود لیست النصراری علی شیء و قالت النصراری لیست اليهود علی شیء» (بقره: ۱۳۹)

یهودیان گفتند: مسیحیان هیچ پایه و موقعیتی ندارند و مسیحیان نیز گفتند: یهودیان هیچ موقعیتی ندارند. گفتوگوهایی که بر مبنای برتریطلبی و به منظور نفی و طرد صورت گیرد، طبیعی است که هیچگاه به نتیجه نرسیده و شکافها را عمیقتر خواهد ساخت. بدین رو در ادامه همان آیه، اختلاف و نزاع پیروان این دو دین را دائمی دانسته که داوری بین آنان را خداوند در روز قیامت انجام خواهد داد: «فالله یحکم بینهم یوم القیامة فیما کانوا فیہ یختلفون» خداوند در روز قیامت، در آنچه اختلاف ورزیدند، میانشان داوری خواهد کرد. این امر نشانگر این واقعیت است که اختلاف یهود و مسیحیت تا قیامت ادامه خواهد یافت و هیچکدام از مواضعشان دست نخواهند کشید و در گفتوگوها از اصول و معیارهای صحیح سود نبرده و در نتیجه به تفاهم نمی‌رسند. پیروان ادیان یهودیت و مسیحیت، در رویارویی با یکدیگر و گفتوگوهایشان، همواره در صدد برشمردن افتخارات و امتیازات موهوم و ساخته ذهن خودشان بودند. هر دو گروه خود را به پیامبران الهی و حضرت ابراهیم منتسب کرده و بدین فخر و مباهات می‌کردند. قرآن کریم آنان را در اینباره نکوهش نموده و از گفتوگوهای بیهوده منع کرده است. «یا أهل الکتاب لم تحاجون فی ابراهیم و ما أنزلت التوریه و الإنجیل إلا من بعده أفلاتعقلون» (آل عمران: ۶۵)

ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم، گفتوگو و نزاع میکنید [و هر کدام او را پیرو آیین خود معرفی میکنید] درحالیکه تورات و انجیل پس از او نازل شده است. آیا اندیشه

نمیکنید؟ «ها أنتم هؤلاء حاجتکم فیما لکم به علم فلم تحاجون فیما لیس لکم به علم والله یعلم و أنتم لا تعلمون» آل عمران/۶۶ شما کسانی هستید که درباره آنچه نسبت به آن آگاه بودید نزاع و ستیز کردید. چرا درباره آنچه آگاهی ندارید با هم گفتوگو میکنید؟ و خداوند میداند و شما نمیدانید. «أم تقولون إن إبراهيم و إسماعیل و إسحاق و یعقوب و الأسباط كانوا هوداً أو نصاری قل ءأنتم أعلم أم الله» (بقره: ۱۴۰)

آیا میگویید که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان، یهودی یا نصرانی بودند؟ بگو: آیا شما آگاه ترید یا خدا؟ در ارتباط با گفتوگوهای پیروان ادیان یهود و مسیحیت، چند نکته به روشنی در قرآن کریم به چشم میخورد: ۱. بیشتر گفتوگوهای آنان به صورت رو در رو و مستقیم نبوده، بلکه حالت تبلیغاتی داشته که گفتهها و شنیدههای همدیگر را نفی و بیبایه تلقی میکرد هاند. ۲. این گفتوگوها و ادعاها بیشتر بدون دلیل و برهان بوده و به منظور پاسخ دادن به طرف دیگر بوده است. ۳. بر تریبلی، افتخار به میراث گذشته، داشتن مال و ثروت، قرابت به خداوند و... محورهای اصلی در این گفتوگوها میباشد که به طور نمونه به چند مورد اشاره میگردد:

یک. انحصاری بودن بهشت

یهود و نصارا هر دو مدعی انحصاری بودن بهشت برای خودشان بوده اند. «و قالوا لن یدخل الجنة إلا من کان هوداً أو نصاری» بقره/۱۱۱ آنها گفتند: هیچکسی، جز یهود و یا نصارا داخل بهشت نخواهد شد. مفسران ذیل این آیه مینویسند: این تعبیر به نحو ایجاز است و تقدیر آن چنین است: یهود گفتند: داخل بهشت نمیشود جز یهودی و نصارا گفتند: داخل بهشت نمیشود مگر نصرانی. بدون تردید با توجه به اختلاف عمیق و شدید آنان با یکدیگر، هیچگاه حاضر نبودند تا به نفع طرف مقابل سخن بگویند. در حقیقت، ادعاهای آنها به سود خودشان بوده است.

دو. هدایت ویژه یهود و نصارا

از دیگر ادعاهای آنان این است که خودشان را هدایت یافته، سعادت و هدایت بشریت را در گرو پیروی از آیین خودشان میدانستند. «و قالوا کونوا هوداً أو نصاری تهتدوا» (بقره: ۱۳۵) گفتند: یهودی یا نصرانی شوید تا به راه راست افتید. این آیه نیز به صورت ایجاز بیان شده است، در واقع ادعاهای جداگانه یهود و مسیحیت درباره آیین خودشان است.

سه. فرزندان و دوستان خدا

پیروان یهود و مسیحیت، به‌عنوان افتخار و امتیاز، خود را فرزندان و دوستان خدا می‌پنداشتند: «و قالت اليهود و النصارى نحن أبناء الله و أحبّاءه» (مائده: ۱۸)

یهود و نصارا گفتند: ما فرزندان و دوستان خداییم. علامه طباطبایی ذیل این آیه مینویسد: «شکی نیست که یهودیت ادعای فرزندی حقیقی برای خداوند نکرده‌اند و به‌طور جدی خود را فرزند خدای تعالی نمی‌دانند؛ آن‌گونه که بیشتر مسیحیان، مسیح را فرزند خدا میدانند. پس اینکه در این جمله حکایت کرده که یهود و نصارا ادعا کرده‌اند ما فرزندان خدا و دوستان اویم، منظور فرزندی حقیقی نیست، بلکه منظورشان این است که با نوعی مجازگویی، شرافتی برای خود بتراشند».

اصول مشترک بین مسیحیت و یهودیت در قرآن

هر دو دین یهود و مسیحی قائل به خداوند یکتایی هستند. هر دو دین قائل به توبه گناه کاران هستند، هر دو دین قائل به توبه گناه کاران هستند، هر دو دین اعتقاد به ناجی دارند، هر دو دین قائل به توبه گناه کاران هستند، در هر دو دین ازدواج امری مقدس است، در هر دو دین، زنا، سرقت، شهادت دروغ، قتل و... حرام است؛ تکامل مفهوم خدا، تکامل مفهوم معاد و تکامل مفهوم رسالت سه اصل مهم بین مسیحیت و یهودیت در قرآن است:

۱- تکامل مفهوم خدا

از دیدگاه یهود: در تورات، خداوند حقیقی نوشونده است. فرمانروای فرمانروایان است. مایه قوام و استواری آفرینش است. او خدای جهان مادی است. در تورات کمتر از قیامت سخنی به میان آمده. گویی انسان تنها برای همین زندگی پای به جهان آفرینش گذارده است. چه، این تصور، خداوند را خدای عالم مادی، خدای طلا و نقره، خدای حکمرانی و سخت‌گیری، خدای مدیریت و سیاست و خدای فرمانروا و اداره‌کننده می‌داند.

از دیدگاه مسیحیت: مفهوم خداوند را، علاوه بر صفات فوق، این‌گونه می‌یابیم: اول و آخر، آگاه و دانا، ظاهر و باطن، پناه‌دهنده و بزرگ، دارای اسماء حسنی، «والا تر از هر گونه توصیف و نزدیک‌تر از نزدیک؛ هم معنا با آیه: «چون بندگان من درباره من از تو بپرسند، بگو که من نزدیکم» (البقره: ۱۸۶). این مفهوم کمالی و غیر سلطه‌مدارانه، مفهومی

عاطفی و عقلانی است. در این مفهوم از مدیریت، خلقت، بزرگی و سلطه‌مداری خبری نیست، بلکه قضیه، قضیه تربیت و آرمان‌ها است، قضیه همه عالم است، قضیه اکتساب صفات خداست، چه، عبادت بر صفات الهی فرد می‌افزاید. او داناست، ما نیز داناتر می‌شویم. او مهربان است، ما نیز مهربان‌تر می‌شویم. او قوی است، ما نیز قوی‌تر می‌شویم... یعنی هر اندازه به خدای متعال نزدیک‌تر شویم، صفات بیشتری از او اکتساب می‌کنیم؛ و کلید این نزدیکی همان قصد قربت است که مسلمان باید در تک‌تک کارها به همراه داشته باشد (امام موسی صدر: ۱۳۹۵: ۵۷)

۲- تکامل مفهوم معاد

از دیدگاه یهود: مفهوم معاد نزد یهود مبهم است. در نظرگاه اینان نمی‌توان میان معاد و مکافات دنیا تفاوت گذاشت. چه، در نظر اینان، به کرده‌های انسان در همین زندگی دنیوی ثواب و عقاب داده می‌شود. هرچند در تورات از کیفر و مجازات سخن به میان آمده است، اما تفکیک میان کیفر حکومتی و عقاب دینی امری دشوار است. به هر حال، مفهوم مزبور نشانگر تحول توجه انسان به کیفر و مکافات است.

از دیدگاه مسیحیت: در نظر مسیحیت، معاد مکافاتی است روحانی و چیزی است شبیه ناراحتی وجدان یا آرامش دل. این تلقی، از تلقی یهود بسی عمیق‌تر و پیشرفته‌تر است (اما موسی صدر، ۱۳۹۵: ۵۸)

۳- تکامل مفهوم رسالت

از دیدگاه یهود: تکیه یهود تنها بر زندگانی این دنیا بوده است و الگو و آرمان او انسانیت که تنها دل مشغولیش سیر شدن است.

از دیدگاه مسیحیت: پس از آن مسیح می‌آید. او آدمی را اوج می‌دهد و متوجه آسمان‌ها و معنویت می‌کند و می‌فرماید: «جئت لاکمل الناموس لالانقضه» (امام موسی صدر، ۱۳۹۵: ۶۰).

نتیجه گیری

قرآن کریم و اسلام، یهودیان و مسیحیان را به‌عنوان فرزندان ابراهیم در نظر گرفته و آنها را «اهل کتاب» توصیف کرده، چرا که تمام ادیان توحیدی از نسل ابراهیم هستند. بدون‌شک، آموزه‌های دینی و اعتقادی ادیان توحیدی، در کتاب مقدس ایشان منعکس شده است. آیات بسیار زیادی (سوره مائده/۲۶-۲۱؛ بقره/۵۵؛ اسراء/۱۵؛ اعراف/۱۵۷؛ توبه/۳۰ و...) درباره یهودیت در قرآن کریم ذکر شده است که به دلیل نقل مکرر داستان بنی‌سائیل در آن است. همچنین آیاتی هم درباره مسیحیت (سوره مائده/۱۱۹-۱۱۶؛ زخرف/۸۶؛ نساء/۱۵۹؛ مائده/۷۳ و...) در قرآن ذکر شده است، اما کمتر از یهودیت، به آنها اشاره شده. بدیهی است قرآن کریم، منبع اصلی در اسلام برای شناخت دقیق جامعه اسلامی قلمداد میشود.

در آیاتی که به ترسیم چهره یهودیت پرداخته است، به مؤلفه‌هایی مانند انکار خدا، تجاوزگری، پوشاندن حقایق، نافرمانی در برابر خدا و پیامبران، گرایش به مادیات، تکبر، پیمان شکنی، عداوت و دشمنی، استهزا، ضلالت و اضلال، اختلاف، جهالت، ترس، حسادت و نفاق اشاره شده است. در آیه‌هایی که مربوط به یهودیان میباشد، بیشتر به رذایل اخلاقی آن‌ها پرداخته شده است و اینطور میتوان استنباط کرد که میان رفتار ناپسند یهودیان با پیامبر و نزول آیات درباره این قوم رابطه‌ای وجود دارد.

در مقابل آیاتی که به ترسیم چهره مسیحیت پرداخته است، مبین این موضوع میباشد که رفتار مسیحیان با پیامبر شنیع و زشت نبوده؛ اما تحریفات و انحرافات زیادی در بین مسیحیان وجود داشته است که منطبق با این موضوعات آیاتی نازل شده است. در مقابل این آیات که به مبارزه در برابر تحریفات و انحرافات مسیحیان پرداخته است، آیاتی نیز وجود دارد که به تأیید برخی از مبانی مسیحیت می‌پردازد. همچنین در این آیات به موضوعاتی از قبیل دعوت به وحدت مسیحیان و مسلمانان، بشارت مسیحیان مؤمن و تابع حق، دعوت مسیحیان به تفکر و غیره پرداخته شده است.

در رابطه با رابطه یهویت و مسیحیت ذکر این نکته مهم به نظر میرسد که آنگونه که از آیات قرآن کریم بر میآید، پیروان ادیان یهود و مسیحیت، همواره با هم اختلاف نظر داشته و در گفتوگوهای خود، یکدیگر را نفی کرده و مورد نکوهش قرار میدادند. گفتوگوهای یهود و مسیحیت، بیشتر بر اساس برتریجویی و طرد و نفی طرف مقابل صورت میگرفته است. «و قالت اليهود لیست النصارى علی شیء و قالت النصارى لیست اليهود علی شیء» (بقره: ۱۳۹). در مقابل این اختلاف نظرها، از دید قرآن اصول مشترکی نیز بین این ادیان وجود دارد که عبارتند از: تکامل مفهوم خدا، تکامل مفهوم معاد و تکامل مفهوم رسالت.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آشتیانی، جلال‌الدین. (۱۳۶۸). تحقیقی در دین مسیح. نوبت اول. تهران: نشر نگارش تهران.
۲. ارزانی، حبیب و اهتمام، حامد. (۱۳۹۴). الگوی ارتباطات میان‌فرهنگی مسلمانان با مسیحیان در قرآن کریم. الهیات تطبیقی. سال ششم. شماره چهاردهم. ۸۹-۱۰۶.
۳. امام موسی صدر، (۱۳۹۵)، ادیان در خدمت انسان، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی.
۴. اندیشه، هاشم. (۱۳۹۳). وحی در اسلام و مسیحیت و یهودیت. اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسییهای اجتماعی و فرهنگی ایران. تهران.
۵. ایوب، محمد و مرادی، مجید. (۱۳۸۱). ادیان الهی از منظر قرآن. پژوهشهای قرآنی. شماره ۳۱- ویژه‌نامه قرآن و ادیان و فرهنگها.
۶. پرچم، اعظم و حبیب‌اللهی، مهدی. (۱۳۹۲). خاستگاه اخلاق یهودی در عهد عتیق. دو فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه ادیان. سال هفتم. شماره سیزدهم. ۶۵-۸۹.
۷. تیواری، کدارنات. (۱۳۷۸). دینشناسی تطبیقی، مترجم: سیدابوطالب فناپی و ابراهیمیان، تهران: انتشارات محسن.
۸. جدید بناب، علی، (۱۳۹۰)، تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهش امام خمینی.
۹. حکمت، علیاصغر. (۱۳۴۴). تاریخ ادیان. تهران: ابنسینا.
۱۰. راسل، برتراند. (۱۳۷۳). تاریخ فلسفه غرب (کتاب دوم). ترجمه نجف دریابندری. تهران: پرواز.
۱۱. رضایور، عبدالرحیم. (۱۳۸۱). یهود از نگاه قرآن. رواق اندیشه. شماره ۱۳.
۱۲. زمانیمحبوب، حبیب. (۱۳۸۵). یهود، رویاروی پیامبر اعظم (ص). حصون. شماره ۹.
۱۳. سلیمانی، عبدالرحیم. (۱۳۸۱). قرآن کریم و بشارت‌های پیامبران. فصلنامه هفت آسمان. شماره ۱۶.

۱۴. سلیمانی، عبدالرحیم. (۱۳۸۷). نگاهی به خداشناسی یهود در قرآن مجید. هفت آسمان. دوره ۱۰. شماره ۴۰. شماره پیاپی ۴۰-۷۲-۴۱.
۱۵. سلیمانی، عبدالرحیم، (۱۳۹۹)، ادیان در قرآن، تهران: دانشگاه مفید.
۱۶. سیار، پیروز، (۱۳۹۹)، عهد عتیق، (کتاب های حکمت؛ بر اساس کتاب مقدس اورشلیم)، تهران: نشر هرمس.
۱۷. شاکر، محمدکاظم. (۱۳۹۱). تفسیری تاریخی از یهود براساس قرآن کریم. فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم. سال دوم. شماره ششم. ۳۰-۷.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۰. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر المعروف بمفاتیح الغیب، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۱. قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۸۷). قاموس قرآن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. کاکس، هاروی. (۱۳۷۸). مسیحیت. مترجم: عبدالرحیم سلیمانی اردستانی. چاپ اول. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۳. گلابیری، علی. (۱۳۸۴). نگاهی به رابطه احکام اسلام با ادیان دیگر. رواق اندیشه. شماره ۴۰. ۸۱-۹۳
۲۴. واعظ، بتول و کاردل ایلواری، رقیه. (۱۳۹۱). تبیین تطبیقی مبانی نظری، شرعی و اخلاقی اسلام، یهودیت و مسیحیت. پژوهشنامه معارف قرآنی. سال ۳. شماره ۹.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۰) تفسیر نمونه، تهران، اسلامیه.

